



A Study of the Salience of Ethnic Identity of Arabs in Khuzestan (A Grounded Theory)

Ali Ghanbari Barzian¹ 

1. Assistant Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran,
Email: a.ghanbari@ltr.ui.ac.ir

Article Info

Article type:
Research Article

Article history:

Received 30 January 2023
Received in revised form 16
August 2023
Accepted 20 September 2023
Published online 20 September
2023

Keywords:

The prominence of ethnic
identity, Ethnicity, ethnic
identity, National identity,
Relative deprivation.

ABSTRACT

Social Integration and solidarity is one of the important issues of multi-ethnicity and developing countries. This paper tries to understand the effective elements on the Salience of ethnic identity and its strengthening among Arabic-language speakers of Khuzestan. This research has been done by Interpretive-constructive approach and by quantitative method and for analyzing the data Grounded Theory has been used. Purposive and theoretical sampling has been used for selecting interviewees. To collecting data, we interviewed by 30 elites in Khuzestan. After doing open-coding, 12 axial codes presented. The results illustrate that Salience of the ethnic identity among Arabic people of Khuzestan is not against national identity and it is equal with the national identity. And also salience of ethnic identity is followed by some variables of politicized identity of ethnicity, the ethnic-race of cultural exclusion, the historical and continuous deprivation, the understood relative deprivation of ethnicity, the anti-government ethnic internalized unpleasantness, the ethnic identity seeking, rational ethnic identity making, ethnic seizure of space and geography and the ethnic and identity delimitation.

Cite this article: Ghanbari Barzian, A. (2023). A Study of the Salience of Ethnic Identity of Arabs in Khuzestan (A Grounded Theory). *Sociological Review (Social Science Letter)*, 30 (1), 313- 333.

DOI: <http://10.22059/JSR.2023.354582.1836>

عوامل موثر بر برجستگی هویت قومی در بین اعراب خوزستان

(یک نظریه زمینه‌ای)

علی قنبری برزبان^۱۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. رایانامه: a.ghanbari@ltr.ui.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	ادغام و همبستگی اجتماعی یکی از مسائل اجتماعی مهم کشورهای چندقومیتی و در حال توسعه است. این مقاله، تلاشی برای فهم و شناخت عوامل موثر بر تشدید و برجسته‌شدن قوم‌گرایی در میان کنش‌گران قومی و نخبگان و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب‌زبانان خوزستان است. این پژوهش با استفاده از رویکرد تفسیری-برساختی و با روش کیفی انجام شده است و از روش نظریه زمینه‌ای چارمز برای اجرای پژوهش و تحلیل داده‌ها استفاده شده است. نمونه-گیری هدفمند و نظری برای گزینش افراد مورد مصاحبه مورد استفاده قرار گرفته است. به منظور گردآوری داده‌ها، با ۳۰ نفر از نخبگان عرب خوزستان مصاحبه به عمل آمد. بعد از انجام کدگذاری باز، ۱۲ کد متمرکز ارائه شده است. نتایج و یافته‌ها نشان می‌دهد که برجسته‌شدن و تشدید هویت قومی در میان نمونه مورد بررسی در مقابل هویت ملی قرار نمی‌گیرد و به همان اندازه هم هویت ملی مورد توجه عرب‌زبانان است. همچنین برجستگی هویت قومی، تابعی از عناصر هویت سیاسی‌شده قومی، طردشدگی فرهنگی قومی-نژادی، محرومیت مستمر تاریخی، محرومیت نسبی ادراک‌شده قومی، تنفر درونی‌شده قومی ضدحاکمیتی، تمایلات هویت‌خواهی قومی، هویت‌سازی عقلانی قومی، غصب قومی فضا و جغرافیا و مرزبندی هویتی قومی شده است.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۰	
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۲۵	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹	
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹	
کلیدواژه‌ها:	
برجسته‌شدن هویت قومی، قومیت، هویت قومی، هویت ملی.	

استناد: قنبری برزبان؛ علی. (۲۰۲۳). عوامل موثر بر برجستگی هویت قومی در بین اعراب خوزستان (یک نظریه زمینه‌ای)؛ مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)، ۳۰(۱)، ۳۱۳-۳۳۳.



© نویسندگان.

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

DOI: <http://10.22059/JSR.2023.354582.1836>

مقدمه

بسیاری از کشورهایی که داری تنوع قومیتی هستند، معمولاً نگران تشدید (برجستگی^۱) قوم‌گرایی هستند و آن را یک عامل منفی و تهدید کننده ثبات اجتماعی به حساب می‌آورند؛ چرا که از دید آنان، این موضوع مانع یک همبستگی و نظم اجتماعی به حساب می‌آید (زوتووا و دیگران، ۲۰۲۰: ۲). این مهم در سیاست‌های ملی آنان قابل پیگیری است (همان). کشورهایی که دارای قومیت-های گوناگون هستند، برای رسیدن به یک هویت ملی، مسلماً می‌بایستی به مساله هم‌گرایی و واگرایی قومی و اینکه تا چه میزان هویت قومی در برابر هویت ملی آنان قرار می‌گیرد و تا چه میزان هویت قومی آنان در برابر هویت ملی‌شان تشدید و برجسته می‌شود، توجه ویژه‌ای داشته باشند. بنابراین، تقویت هویت ملی که مدنظر تمام دولت‌هاست از مسیر بررسی و حل موضوعات مربوط به قومیت به نتیجه و سامان خواهد رسید. همچنین تقویت هویت ملی نیز می‌تواند ارزش‌ها و منافع مشترکی در میان اقوام گوناگون ایجاد کند. جامعه ایران جامعه‌ای متنوع و متکثر از لحاظ قومی است. این امر موجب گردیده است تا موضوع قومیت و هویت قومی و رابطه آن با ملیت، هویت ملی، نظم و وفاق اجتماعی، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل جامعه ایران مورد توجه محققان و پژوهش‌گران قرار گیرد. هویت قومی و تشدید و برجستگی آن، یکی از مسائل اجتماعی مهم کشورهای چندقومیتی به-ویژه برای کشورهای در حال توسعه است. در این کشورها که هنوز جامعه مدنی با مکانیزم‌های آن نهادینه نشده است، تشدید هویت قومی می‌تواند اثرات مخرب در سرنوشت جمعی و ملی و تاریخی آنها بگذارد. در سطح کلان، هویت قومی با تأثیرگذاری بر هویت ملی، می‌تواند همبستگی و تعادل نظام اجتماعی را دچار چالش‌های بنیادین نماید. در سطح خرد نیز تشدید هویت قومی با تأثیرگذاری بر مناسبات زندگی افرادی که بنا به دلایلی در کنار یکدیگر زندگی می‌کنند، می‌تواند مشکلات خاصی را به‌وجود آورد. برجستگی و تشدید هویت قومی یک مسأله اجتماعی مهم به‌خصوص در جامعه ایران است. سوابق حوادث تاریخی مانند جدایی آذربایجان و کردستان از ایران و برخی زمزمه‌های عربی بودن خوزستان و حتی خلیج فارس و غیره، ادعاهای برون‌مرزی در این زمینه و پژواک آن در اذهان عده‌ای از مرزنشینان ایران، نشان می‌دهد که هویت ملی ایرانی، با اشکالات فرهنگی و اجتماعی و سیاسی کلان روبه‌رو بوده است (شیخاوندی، ۱۳۸۰: ۱۱۴).

استان خوزستان علی‌رغم ظرفیت‌های منحصر به فردش و تأثیر ویژه در اقتصاد ملی و همچنین بروز جنگ تحمیلی و عدم بازسازی کامل و مطلوب مناطق آسیب دیده از جنگ و کم توجهی دولت‌های مختلف پس از جنگ به مساله بازسازی، با چالش‌ها و عقب‌ماندگی‌هایی مواجه شده است که با وجود گذشت بیش از سه دهه از پایان جنگ، عوارض و پیامدهای آن‌ها بر زندگی مردم خوزستان به‌ویژه مناطق عرب‌زبان سایه افکنده و به نوبه خود باعث انباشتی از نارضایتی‌ها گردید.

تاملی بر فهرست طولانی مصائب و مشکلات مناطق عرب‌زبان خوزستان و مشکلات و دغدغه‌های به‌ویژه فعالان سیاسی اجتماعی و نخبگان و جوانان و تحصیلکرده‌های عرب‌زبان، از بیکاری و مهاجرت، و احساس تبعیض و احساس ستم قومی تا چالش‌ها و مسایل بزرگتری چون بحران آب، آلودگی هوا و شرایط زیست محیطی طاقت‌فرسا، وضعیت اسفناک فاضلاب و مبلمان شهری و مدیران پروازی و غیربومی و نهایتاً دستگیری و سرکوب کنش‌گران سیاسی اجتماعی و اگر، توصیفی حداقلی از بستر اجتماعی-سیاسی فعالان سیاسی اجتماعی و نخبگان عرب‌زبان خوزستان است که مورد تایید و تاکید اکثریت فعالان سیاسی اجتماعی و کنش‌گران قومی عرب‌زبان و غیر عرب‌زبان خوزستانی است. به گونه‌ای که برای خودشان به نوعی فضای درماندگی خودآموخته و پردشدگی فرهنگی و فراموش‌شدگی و تحمیل و پذیرش را ترسیم می‌کنند. این بستر سیاسی-اجتماعی مملو از گم‌شدگی هویتی، مورد اعتماد

^۱. Saliency

واقع نشدن، غیربومی و غیرایرانی نامیده شدن و دائماً برچسب واگرا خوردن، از ویژگی‌های هویت اجتماعی کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی اجتماعی عرب‌زبان در میدان اجتماعی است. از سویی، پررنگ شدن تمایزات قومی و زبانی و نهایتاً تعمیق نوعی خودآگاهی قومی و زبانی در میان عرب‌زبانان خوزستان در چندین دهه و خاصه در دو دهه اخیر، اهمیت بیشتری نسبت به گذشته یافته‌است (بیژنی و عزتی، ۱۳۸۷). حوادث و رویدادهای تاریخی به موازات ظهور گروه‌های افراطی و واگرا و تروریستی در خوزستان (برای مثال حوادث ۱۳۸۴ و ۱۳۹۷) و وقایع ناشی از آن، این فرض را در ذهن فعالان سیاسی-اجتماعی و کنش‌گران قومی عرب‌زبان، پررنگ می‌کند که برجسته‌شدن و تشدید هویت قومی و قوم‌گرایی قوم عرب، ظرفیت و پتانسیل آن را دارد که هم در سطح ملی و هم در سطح منطقه‌ای چالش‌ها و بدقوارگی‌هایی را در جامعه ایرانی ایجاد کند. پژوهش حاضر درصدد است تا با روش نظریه زمینه‌ای به مطالعه امکان برجسته‌شدن و تشدید هویت قومی و قوم‌گرایی از منظر نخبگان و فعالان فرهنگی و اجتماعی و سیاسی و رسانه‌ای عرب‌زبان پرداخته و به این سؤال پاسخ دهد که مهم‌ترین منابع و شرایط مؤثر بر برجسته‌شدن و تشدید هویت قومی کدامند؟

پیشینه تجربی

در سالیان اخیر، تحقیقات و پژوهش‌های مربوط به قومیت و هویت قومی در جامعه ایران فراوان و پرشمار بوده است. از آنجا که روش تحقیق حاضر در قالب رویکرد تحقیق کیفی و مبتنی بر نظریه زمینه‌ای است و در اغلب تحقیقات و پژوهش‌هایی که در این حوزه انجام شده است، نتایج آن‌ها نشان‌دهنده بیشترین میزان برجستگی و تشدید هویت قومی در میان عرب‌زبانان خوزستان بوده است، در این پژوهش هم به برخی تحقیقاتی اشاره می‌شود که موضوع تشدید هویت قومی در قوم عرب در آن مورد بررسی قرار گرفته‌اند و هم برخی پژوهش‌های تجربی پیرامون قومیت و هویت قومی که شناخت‌شان در پژوهش حاضر مفید بوده است را نیز مورد اشاره قرار خواهیم داد. همچنین برخی پژوهش‌های خارجی را نیز پیرامون این مفهوم مورد اشاره قرار داده‌ایم.

نواح (۱۳۸۳) در پژوهش خود با عنوان «قوم عرب؛ واگرایی یا هم‌گرایی» به این نتیجه رسید که با توجه به محرومیت نسبی، قوم عرب به سمت واگرایی در حال حرکت است.

نتایج پژوهش هیودی (۱۳۸۴) بیانگر این است که خوزستان در سه پارامتر سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با چالش روبرو است؛ در بعد سیاسی، دارای قومیت متفاوت است؛ در بعد اقتصادی با وجود منابع سرشار در استان، این استان به‌طور کلی توسعه‌نیافته است. در بعد فرهنگی ساختار قبیله‌ای اقوام استان باعث تعصبات منفی در این استان شده است و بحران‌زا می‌باشد.

نواح و تقوی‌نسب (۱۳۸۷) در مطالعه خود به این نتیجه رسیدند که با افزایش محرومیت نسبی، هویت قومی در میان مردم عرب این استان تشدید شده و در پی آن برخی از جنبه‌های هویت ملی آنان کاهش یافته است؛ بنابراین رابطه معکوسی بین هویت قومی و هویت ملی اعراب خوزستان وجود دارد.

یافته‌های مطالعه اکوانی (۱۳۸۷) نشان داد که عرب‌ها نه تنها گرایش قوی به هویت ایرانی و اسلامی دارند، بلکه به هویت قومی خود نیز گرایش قوی دارند و علاقه به هویت قومی آنان باعث کاهش گرایش به هویت ملی نمی‌شود.

جلایی‌پور و قنبری (۱۳۸۸) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که ارزش‌های جهانی‌شدن تأثیر مثبتی در تقویت هویت‌یابی-های قومی در برابر هویت ملی در میان اعراب خوزستان داشته است.

قنبری‌برزیان و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود نشان دادند که با افزایش احساس محرومیت در فرصت‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی و همچنین امکانات ملی، گرایش به هویت‌یابی‌های قومی بیشتر می‌شود.

یافته‌های پژوهش نواح و حیدری (۱۳۹۵) نشان داد که متغیرهای تعصب قومی، تعلق قومی و نگرش به هنجارهای قومی، رابطه معکوس و معناداری با احساس طرد اجتماعی دارند.

ساسانیان (۱۳۹۶) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که مداخله‌های خارجی از سوی کشور عربستان سعودی در چارچوب ارزش‌های رفاهی و محرومیت نسبی، با هدف واگرایی قومی عرب‌های خوزستان انجام می‌شود.

صادق‌زاده و نادری (۱۳۹۶) در پژوهش خود به این نتیجه دست یافتند که هویت قومی اعراب، مستقل از هویت ملی و دینی آن‌هاست. همچنین حاجیانی (۱۳۸۸)، ربانی و همکاران (۱۳۸۸)، ابوالحسنی (۱۳۸۸)، احمدی (۱۳۸۶) و نبوی (۱۳۸۳) و تحقیقات متعدد دیگری نشان داده‌اند که هویت قومی اعراب، مستقل از هویت ملی و دینی آنهاست.

در اغلب این تحقیقات و پژوهش‌های مشابه که در گستره ملی انجام شده است، به این نتیجه مشابه رسیدند که هویت قومی در برابر هویت ملی برجستگی قابل‌اعتنایی ندارد و همچنین در این تحقیقات بر گرایش و نگرش نسبتاً ضعیف به واگرایی تأکید شده است.

بر اساس یافته‌های پژوهش برزگر و همکارانش (۱۳۹۸)، هرزمان که حکومت در ایران به اقوام و گروه‌های قومی توجه کرده است، ما شاهد مشارکت و هم‌یاری آنان بوده‌ایم. تشویق اقوام به حذف رویه‌های افراطی و ناسیونالیستی، شرایطی برای مشارکت فراهم می‌کند و از طرفی چنانچه احساس هویت متفاوت در کنار احساس محرومیت‌های سیاسی-اجتماعی قرار گیرد موجب عوارض امنیتی می‌گردد.

نتایج پژوهش رضاییان و همکارانش (۱۳۹۸)، موید قرار گرفتن جنبه‌های فرهنگی و اجتماعی هویت قومی در حوزه هم‌گرایی با هویت ملی است و همچنین قرار گرفتن احساس محرومیت و طردشدگی قومی در حوزه واگرایی با هویت ملی است.

در میان پژوهش‌های خارجی نیز می‌توان برخی یافته‌های مهمی را در این ارتباط مشاهده نمود:

بالبی^۱ (۲۰۰۱) در مطالعه خود در آمریکا به این نتیجه رسید که حضور و تحصیل در کشوری دیگر، باعث می‌شود هویت ملی و قومی افراد بازتولید شود. آدلر^۲ (۲۰۱۳) در مقاله‌ای تحت عنوان «هویت جمعی و عمل جمعی در یک جنبش» در جنبش «مکزیک» بر این باور است که هویت جمعی برپایه کنش جمعی است و زمانی معنا می‌یابد که کنش و اقدام جمعی مشترکی صورت بگیرد. کرونویچ^۳ (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «شناسایی تشدید مسیحیت برای هویت جمعی در اروپا» به این نکته رسید که در کشورهاییکه یک اقلیت مذهبی برجسته وجود دارد، نسبت‌های بیشتری از مردمانی با هویت مذهبی قابل مشاهده است.

ژوفیا بودا^۴ و بلینت نرای^۵ (۲۰۱۵) به این نتیجه رسیدند که کسانی که با گروه‌های قومی دیگر (خارج از گروه قومی خود) ارتباط دارند، توسط گروه قومی خودشان به‌عنوان فردی خیانتکار تلقی می‌شوند.

زوتووا و هم‌کاران (۲۰۲۰)، در پژوهشی با عنوان «ویژگی‌های خاص هویت قومی در مناطقی با درجه بالای تمایز قومی در روسیه»، بیه این نتیجه رسید که پاسخ‌دهندگان از مناطقی که کمتر هویت و تنوعات قومی داشته‌اند، خودشناسی و آگاهی‌شان از جهان و سرزمین خودشان نسبت به گروه‌های دیگر بیشتر است. همچنین تفاوت معناداری در تعریف قومیت در مناطق گوناگون وجود داشت.

¹ Bolby

² Adler

³ Krunovich

⁴ Zscofia Boda

⁵ Balint Neray

در پژوهش‌هایی که اشاره گردید، هدف محوری آنها بررسی رابطه هویت قومی و ملی است و در معدود مواردی هم در مورد برجستگی هویت قومی اشاراتی جزئی رفته است (صادق‌زاده و نادری، ۱۳۹۹ و اکوانی، ۱۳۸۷). هدف اصلی پژوهش حاضر همانا تطبیق و مقایسه هویت قومی عرب‌زبانان خوزستان و تشدید و برجستگی آن نسبت به و یا در ارتباط با هویت ملی است. از آنجا که موارد پژوهشی مربوطه بسیار معدود و اندک هستند و نیز قدیمی بودن مواردی که این ارتباط را کشف و بررسی کرده‌اند، ما را به سوی پژوهش حاضر سوق داده است. البته همانطور که در ادبیات تجربی مورد اشاره فوق قابل مشاهده است، در دیگر اقوام نیز این هدف پیگیری شده است و مطالعه این موارد مسیر روشنی برای پژوهش ما فراهم آوردند. همچنین، موارد تجربی خارجی نیز که در بالا مورد اشاره قرار گرفتند، اگرچه به علت نوع موضوع و ملی و محلی بودن موضوع پژوهش حاضر، با هدف ما فاصله داشتند، اما بررسی برخی قومیت‌های کشورهای خودشان و ارتباط آن با هویت ملی آن کشورها، برای مسیر مورد پژوهش ما مفید بود.

در غالب این پژوهش‌ها متغیر کانونی بررسی شده محرومیت نسبی و عدم برخورداری اقتصادی و شاخص‌های توسعه اجتماعی و فرهنگی است و بر روی موضوعات مانند هویت سیاسی شده قومی، طردشدگی فرهنگی، قومی-نژادی، هویت‌سازی عقلانی قومی و غصب عمومی فضا و جغرافیا در پژوهش‌های قبلی مورد توجه واقع نشدند و این یکی از نکات مهم تمایز این پژوهش با پژوهش‌های قبلی است.

از سوی دیگر در پژوهش حاضر برخلاف پژوهش‌های پیشین که نمونه‌های مورد بررسی شهروندان عرب‌زبان عمدتاً اهوازی بودند، نمونه مورد بررسی نخبگان و فعالان سیاسی-اجتماعی، روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه‌ای، دانشگاهیان و فرهنگیان و هنرمندان بودند و این هم از حیث تنوع آرای اجتماعی سیاسی نمونه مورد بررسی متمایز و متفاوت است و به عبارتی این پژوهش بستری برای تنوع درونی دیدگاه‌های مصاحبه‌شوندگان فراهم کرده است. به نحوی که کدهای استخراج شده حاصل از مصاحبه‌ها، شامل طیف متنوعی از روایت‌ها از همبستگی و ادغام اجتماعی و هم‌گرایی کامل تا واگرایی خودمختاری و تبعیض ساختاری و تنفر درونی قومی ضدحاکمیتی را شامل می‌شود و برخلاف مطالعات قبلی که یک روایت یک دست حاکمیتی را بیان می‌کرده است، روایت‌های متفاوتی با توجه به تنوع درونی داده‌ها به دست آمده است.

تمهیدات نظری و مفهومی

دو مفهوم هویت و قومیت را می‌توان از سطوح هویتی پرمناقشه در ادبیات علوم اجتماعی در نظر گرفت (رضاییان، ۱۳۹۸: ۶). در تعریف واژه قومیت، دورکیم بر آگاهی جمعی، ماکس وبر بر اجتماع سیاسی، زیمل بر تعلق به گروه، جنکینز تاکید بر معانی مشترک، آندرسون تاکید بر گفتمان دارند، اشنایدر تاکیدش را بر نژاد می‌گذارد، اریکسون بر تمایزات فرهنگی و بارت نیز بر عوامل ذهنی تاکید می‌کنند (ملشوویچ، ۱۳۹۰). در این بخش تلاش شده است بر نظریات و آرای که بر هویت قومی و قومیت تاکید دارند متمرکز شویم.

برای اینکه مفهوم و کاربرد قومیت و مفهوم قومیت را بهتر بشناسیم، سنخ‌شناسی مورد نظر آنتونی اسمیت^۱ بسیار مفید خواهد بود. او مکاتب قوم‌شناسی را به دو گروه اصلی کهن‌گرایی و ابزارگرایی تقسیم می‌کند. کهن‌گرایان قومیت را ناشی از پیوندها و احساس‌های «اصیل» و حتی «ذاتی» و «طبیعی» می‌داند که فراتر از مقاطع زمانی قرار می‌گیرند و به یک معنی می‌توان گفت که همواره وجود داشته‌اند. این گرایش خود شامل دو گروه می‌شود: اصل‌گرایان تندرو و سپس اصل‌گرایان میانه‌رو. گروه اول قومیت را نوعی پیوند می‌دانند که جنبه جهان‌شمول و طبیعی داشته و آن را می‌توان با روابط خویشاوندی یا زبان مقایسه کرد. اما اصل‌گرایی در نوع میانه‌رو، قومیت را نوعی پیوند می‌داند که حاصل فرآیند مشارکت و همزیستی میان اعضای یک گروه اجتماعی است. در واقع در

^۱ Anthony D. Smith

اینجا قومیت به معنی نوعی پنداشت و باور عمومی به گذشته‌ای مشترک، منشأ مشترک، نهادها، نشانه‌ها، نمادها، سنت‌ها و ارزش‌های مشترک می‌باشد که در یک فرآیند زمانی طولانی شکل می‌گیرد. این تفسیر از قومیت بیشتر برای انسان‌شناسان قابل قبول بوده است، زیرا بر جهان‌بینی نمادین و ذهنی انسان‌ها تکیه می‌زند و قومیت را به شکلی پویاتر (دینامیک) از گرایش نخست تحلیل می‌کند. درگرایش ابزارگرایی، قومیت یک مفهوم ذاتی و طبیعی و حتی لزوماً یک نوع اشتراک در باورهای ذهنی در درازمدت به حساب نمی‌آید، بلکه نوعی وسیله یا ابزار شمرده می‌شود که برای دستیابی به هدف‌های دیگری مورد استفاده قرار می‌گیرد. این هدف‌ها، عمدتاً هدف‌های سیاسی و اقتصادی هستند. بنابراین، رویکرد ابزارگرا، قومیت را مفهومی مدرن به‌شمار می‌آورد که همچون ملیت ابداع شده است (برتون، ۱۳۸۰: ۲۳۷-۲۳۶).

از دید اسمیت هویت قومی را می‌توان «درجه‌ای از آنچه افراد خودشان را شامل یک گروه قومی می‌پندارند» (اسمیت و سیلوا، ۲۰۱۱: ۲) تعریف کرد. بر اساس نظر اسمیت، وجدان قومی که هویت خود را در هم‌خوانی، هم‌نژادی، هم‌زبانی، هم‌دینی، زیستن و بار آمدن در بستر قومی و گذشته اجتماعی، اسطوره‌ها و خاطرات تاریخی مشترک می‌جوید، مجموعاً برآیندی را ایجاد می‌کند که حاصل آن تشکیل هویت قومی و تقویت همبستگی، یگانگی و انسجام قومی است. این برآیند از لحاظ سیاسی به نیرویی تبدیل می‌گردد که معطوف به قدرت بوده و خواهان تشکیل دولت مستقلی است که قومیت آنان را تحقق می‌بخشد و به دنبال رسمیت بخشیدن به ارزش‌های فرهنگی و قومی خود می‌باشد (صالحی امیری، ۱۳۸۵: ۱۵۸).

گار^۱ به‌عنوان یکی از نظریه‌پردازان برجسته قومیت، به بررسی ارتباط بین محرومیت نسبی و هویت قومی توجه نموده است. بر اساس نگاه او، اساساً هویت قومی زمانی اهمیت پیدا می‌کند که با افراد یک گروه قومی به‌واسطه تعلقات‌شان به آن گروه، رفتاری تبعیض‌آمیز در مقایسه با گروه‌های دیگر صورت گیرد؛ یعنی یک گروه قومی، به‌دلیل قومیت خود در معرض سرکوب، آزار یا محرومیت از برخی حقوق و مزایا قرار بگیرد (قاسمی، ۱۳۸۱: ۱۲۶). به‌نظر گار، فرهنگ، هنگامی به پایگاهی برای جنبش سیاسی و کشمکش تبدیل می‌شود که مبنای تبعیض‌آمیز در میان اقوام قرار گیرد. در میان مردم، تمایز تبعیض‌آمیز به معنی نابرابری اقوام از نظر موقعیت اجتماعی، رفاه اقتصادی و دستیابی به قدرت سیاسی است که بیشتر در سیاست‌های کلی و سنت‌های اجتماعی دنبال می‌شود. پس هرگاه گروه در وضعیت نامساعدی باشد و قربانی تبعیض شود، حس هویت جمعی و منافع مشترک قوت می‌یابد (همان: ۲۱۳ و ۲۱۷). طبق نظر جامعه‌شناسان، هرقدر میزان احساس محرومیت در یک قوم بیشتر باشد و آن قوم احساس کند، فرهنگ و زبان و ارزش‌هایش مورد تعرض و استحاله قرار گرفته است، گرایش به حفظ فرهنگ و آداب و رسوم قومی در آن قوم تشدید می‌شود که در حالت افراطی، این گرایش و تمایل به شکل قوم‌مداری متجلی خواهد شد (قیم، ۱۳۸۰: ۲۱۳).

با این‌همه، هویت قومی بیشتر یک سازه اجتماعی است تا فردی (بارت، ۱۹۶۹). بنابراین، از دید بسیاری از متفکرین این حوزه، هویت قومی یک مفهوم ثابت ندارد و می‌تواند سیال و متغیر باشد. برای مثال، هال^۲ (۱۹۹۶) و براه^۳ ضمن اذعان ثابت نبودن هویت قومی، معتقدند که این هویت وابسته به بستر و شرایط خود است و می‌تواند تغییر کند. بنابراین، اگرچه در مواردی ممکن است هویت قومی در سطح فردی تصور شود، اما تجربه آن عمیقاً متأثر از گفت‌وگو و دیگران است (براه، ۲۰۰۰؛ جنکیز، ۲۰۰۸؛ نکومو و کوکس، ۱۹۹۶). بنابراین، هویت قومی علی‌رغم وجوه فردی آن، اما متأثر از تحولات جامعه بر ساخته می‌شود و معنای ثابت و متعینی ندارد. همچنین به‌دلیل ذات آن، ممکن است به اذعان بسیاری، به دلایل موقعیتی تشدید و برجستگی بیشتری پیدا کند (روزننهال و وایتل،

^۱ Ted Robert Gurr

^۲ Hall

^۳ Brah

۱۹۹۶؛ هوتنیک و ساپرو، ۱۹۹۱؛ هوتنیک، ۱۹۹۲؛ فورهند و دیگران، ۱۹۹۲؛ وارتن، ۱۹۸۹). بنابراین، ارتباطی که می‌تواند هویت قومی با هویت ملی داشته باشد و برجسته‌شدن و تشدید هویت قومی در برابر هویت ملی بیابد، در یک شرایط ویژه گفتمانی، محیطی و به‌طور کلی اجتماعی رخ می‌دهد.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، روش نظریه زمینه‌ای با رویکرد برساختی چارمز^۱ مورد استفاده قرار گرفت. در این رویکرد، واقعیت تحقیق در یک وضعیت ساخته می‌شود و شامل آن چیزی می‌شود که محققان و مشارکت‌کنندگان آن را به وجود می‌آورند و در درون آن عمل می‌کنند. بنابراین نسبت‌گرایی، وجه مشخصه عمل پژوهش می‌شود تا فرآیندها و احکام پروبلماتیک و عینی حقایق پژوهش داده شده نیستند؛ آن‌ها برساخت‌شده هستند. نگرستن به پژوهش به‌عنوان برساخت‌شده تا کشف‌شده، بازاندیشی پژوهشگران را نسبت به کنش‌ها و تصمیمات‌شان تقویت می‌کند (چارمز، ۲۰۱۴). در این پارادایم فرض بر آن است که مردم درک درباره جهان را از مسیری که در آن زندگی می‌کنند، بازمی‌یابند و فرایند معنابخشی را افراد خلق می‌کنند.

نمونه آماری این پژوهش را نخبگان علمی، اجرایی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی عرب‌زبان خوزستان تشکیل دادند که اغلب در شهرهای اهواز، شادگان، خرمشهر، آبادان و شوش سکونت دارند؛ در این پژوهش از نمونه‌گیری هدف‌مند نظری استفاده شد؛ به‌طوری‌که در ابتدای پژوهش، با بهره‌گیری از نمونه هدف‌مند نظری، افرادی که بیشترین شناخت و تجربه را نسبت به موضوع مورد مطالعه داشتند، انتخاب شدند. سپس نمونه‌گیری به‌صورت نظری و به‌واسطه جمع‌آوری داده‌های اولیه و تحلیل آن‌ها، شکل‌گیری مقوله‌ها و مفاهیم در حال پیدایش، ادامه یافت. نمونه مورد بررسی شامل ۳۰ نفر از نخبگان عرب‌زبان خوزستان شامل ۶ نفر از فعالان سیاسی که دارای مسئولیت اجرایی و امنیتی بودند، ۴ نفر از روزنامه‌نگاران و فعالان رسانه، ۴ نفر از روحانیونی که مسئولیت اجرایی نداشته و امام جماعت مسجد محلی بودند و صرفاً در محلات عرب‌زبان مورد احترام مردم واقع بودند، ۴ نفر از اساتید عرب‌زبان دانشگاه، ۲ نفر از فرهنگیان و ۲ نفر از هنرمندان و ۸ نفر از زنان کنش‌گر قومی و زنان فعال سیاسی اجتماعی، مورد مطالعه قرار گرفتند.

جدول ۱. اطلاعات کلی جامعه آماری پژوهش

محل تولد	جنس	سن	تحصیلات	گروه شغلی-کنش‌گری
اهواز	مرد	۴۸	کارشناسی ارشد	مقام سیاسی-اجرایی
اهواز	مرد	۵۴	کارشناسی	مقام سیاسی-اجرایی
خرمشهر	مرد	۵۷	کارشناسی ارشد	مقام سیاسی-اجرایی
شوش	مرد	۵۲	دکتر	مقام سیاسی-اجرایی
اهواز	مرد	۵۳	کارشناسی ارشد	مقام سیاسی-اجرایی
آبادان	مرد	۴۸	کارشناسی ارشد	مقام سیاسی-اجرایی
اهواز	مرد	۴۹	کارشناسی ارشد	روزنامه‌نگار-اصحاب رسانه
شادگان	مرد	۵۲	کارشناسی ارشد	روزنامه‌نگار-اصحاب رسانه
اهواز	زن	۴۱	کارشناسی	روزنامه‌نگار-اصحاب رسانه
شوش	مرد	۳۹	کارشناسی ارشد	روزنامه‌نگار-اصحاب رسانه
اهواز	مرد	۵۳	حوزوی	روحانی
اهواز	مرد	۵۶	حوزوی	روحانی

^۱ Charmaz

محل تولد	جنس	سن	تحصیلات	گروه شغلی. کنش گری
اهواز	مرد	۵۵	حوزوی	روحانی
شوش	مرد	۴۲	حوزوی	روحانی
اهواز	مرد	۵۴	دکترا	استاد دانشگاه
آبادان	مرد	۴۸	دکترا	استاد دانشگاه
شادگان	مرد	۵۷	دکترا	استاد دانشگاه
خرمشهر	زن	۴۶	دکترا	استاد دانشگاه
رامشیر	مرد	۴۴	کارشناسی ارشد	معلم-آموزش و پرورش
اهواز	مرد	۴۸	کارشناسی ارشد	معلم-آموزش و پرورش
اهواز	مرد	۳۷	کارشناسی ارشد	بازیگر
خرمشهر	مرد	۴۱	کارشناسی	بازیگر
اهواز	زن	۴۳	کارشناسی ارشد	زن فعال سیاسی اجتماعی
اهواز	زن	۴۱	کارشناسی	زن فعال سیاسی اجتماعی
شوش	زن	۴۷	کارشناسی ارشد	زن فعال سیاسی اجتماعی
شادگان	زن	۳۸	کارشناسی ارشد	زن فعال سیاسی اجتماعی
خرمشهر	زن	۴۶	کارشناسی	زن فعال سیاسی اجتماعی
اهواز	زن	۴۵	کارشناسی ارشد	زن فعال سیاسی اجتماعی
آبادان	زن	۳۸	کارشناسی	زن فعال سیاسی اجتماعی
سوسنگرد	زن	۴۶	کارشناسی ارشد	زن فعال سیاسی اجتماعی

در این پژوهش برای گردآوری داده‌ها و اطلاعات، از روش مصاحبه متمرکز استفاده شده است. از دیدگاه چارمز مصاحبه متمرکز راهی برای تولید داده‌ها در تحقیقات کیفی است. معمولاً مصاحبه متمرکز به معنای یک گفتگوی یک‌طرفه است که به آرامی هدایت می‌شود و دیدگاه مشارکت‌کنندگان در پژوهش را در زمینه تجربه شخصی آن‌ها در رابطه با موضوع پژوهش بررسی می‌کند (چارمز، ۲۰۱۴). در پژوهش حاضر، نخست برای انجام مصاحبه، راهنمای مصاحبه تهیه گردید تا محقق بتواند در طرح سؤالات و پرداختن به تمامی جوانب موضوع کمک کند؛ دوم، سؤالات مصاحبه از کلی به جزئی طرح گردید؛ سوم، متن مصاحبه‌ها، پس از مکتوب شدن، چندین مرتبه مرور و استخراج شدند.

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از سه روش کدگذاری اولیه، متمرکز و نظری استفاده شد. در کدگذاری اولیه، متن به صورت خطبه-خط کدگذاری شد و مقوله‌ها استخراج شد؛ سپس در فرآیند کدگذاری متمرکز، این مقولات با یکدیگر مقایسه شدند و کدهایی برای ارتباط این مقولات با یکدیگر ابداع شدند؛ سپس در مرحله کدگذاری نظری، مقوله هسته‌ای پژوهش مشخص شد.

برای ارزیابی پژوهش از دو معیار اعتمادپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شد. برای سنجش اعتمادپذیری، نخست پس از پیاده‌سازی متن مصاحبه‌ها و نوشتن گزارش‌های پژوهش، نتایج پژوهش در اختیار مشارکت‌کنندگان قرار گرفت و آن‌ها موافقت خود را با یافته‌های پژوهش اعلام کردند. دوم، داده‌ها و اطلاعات در یک دوره ۳ ماهه و با گفتگوی روزانه محقق با مشارکت‌کنندگان جمع‌آوری گردید. همچنین برای برآورده کردن معیار انتقال‌پذیری، تلاش گردید که نمونه مورد انتخاب از همه اعضا و گروه‌های جمعیت‌شناختی باشد و همچنین تمامی جوانب متفاوت هر فرد نمونه در خصوص موضوع پژوهش مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها و نتایج

کدگذاری اولیه و متمرکز

در مصاحبه‌های انجام‌شده، بیش از ۹۰۰ کد اولیه استخراج شد که پس از حذف کدهای تکراری، بیش از ۴۰۰ کد اولیه مورد استفاده قرار گرفتند. با بررسی موشکافانه داده‌ها و کدهای اولیه، دوازده کد مرکزی «هویت سیاسی‌شده قومی»، «طردشدگی فرهنگی قومی - نژادی»، «محرومیت مستمر تاریخی»، «محرومیت نسبی ادراک‌شده قومی»، «تنفر درونی‌شده قومی ضدحاکمیتی»، «تمایلات هویت‌خواهی قومی»، «هویت‌سازی عقلانی قومی»، «تعصب قومی ساختاری»، «غصب قومی فضا و جغرافیا»، «مرزبندی هویتی قومی»، «حمایت‌های مالی اقتصادی خارجی» و «مقاومت جهانی هویت‌خواهی قومی» برای تحلیل عوامل برجستگی هویت قومی عرب‌های خوزستان بر ساخت شد.

نخست، داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه و کدهای اولیه برساختی نشان می‌دهد که تغییر خواسته‌ها و انتظارات سیاسی - اجتماعی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب‌زبان خوزستان به‌واسطه دگرگونی‌ها و تحولات سیاسی - اجتماعی ناشی از انقلاب ایران، موجب تأکید آن‌ها بر سهم‌خواهی از منافع سیاسی و اجتماعی کشور همچون دیگر گروه‌های قومی شده است. از این‌رو، داده‌ها و کدهای اولیه برساختی، محققان را به این سو هدایت نمود که کدهای اولیه مربوط به دگرگونی خواسته‌ها و انتظارات سیاسی - اجتماعی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان به‌واسطه تحولات سیاسی - اجتماعی ناشی از انقلاب ایران را در یک کد مفهومی‌تر و تحلیلی‌تر «هویت سیاسی‌شده قومی» خلاصه، ترکیب و طبقه‌بندی نمایند. کنش‌گران سیاسی اجتماعی به ویژه اساتید دانشگاه و مسئولین اجرایی اعتقاد دارند که هویت قومی سیاسی شده به مثابه ابزاری مورد استفاده نیروهای سیاسی قرار گرفته است و این گروه‌ها و افراد در سیاسی کردن هویت قومی در میان عرب‌زبانان نقش ویژه‌ای را ایفا کرده‌اند. از این منظر از نگاه این گروه از نخبگان اگرچه سینمای جنگ تلاش کرده است برخی از واقعیات مشارکت و همدلی و وطن‌دوستی واقعی عرب‌زبانان را در دوران جنگ هشت سال به نمایش بگذارد، ولی واقعیت این است که برساخت اجتماعی تاریخی شکل گرفته در ذهن ایرانیان هنوز کم‌رنگ نشده است و گویی هنوز برای بخش مهمی از ایرانیان، عرب‌زبانان شهروند درجه اول نیستند.

دوم، داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه و کدهای اولیه برساختی نشان می‌دهد که نابرابری در احترام و منزلت و عدم پذیرش فرهنگی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از سوی دیگر گروه‌های قومی استان خوزستان، موجب کاهش ارتباطات آن‌ها در تعاملات اجتماعی بین قومی می‌شود. از این‌رو، داده‌ها و کدهای اولیه برساختی محققان را به این سو هدایت نمود که کدهای اولیه مربوط به نابرابری در منزلت و احترام و عدم پذیرش کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از سوی دیگر گروه‌های قومی استان خوزستان که تأثیرگذاری فراوانی بر ارتباطات و تعاملات بین قومی آن‌ها دارد را در یک کد مفهومی‌تر و تحلیلی‌تر «طردشدگی فرهنگی قومی - نژادی» خلاصه، ترکیب و طبقه‌بندی نمایند. در این کد تفاوت دیدگاه روحانیون و نخبگان دانشگاهی با سایر فعالان سیاسی - اجتماعی کاملاً به چشم می‌خورد. از منظر روحانیون و نخبگان دانشگاهی مورد بررسی سایر مردم غیر عرب‌زبان (بختیاری، دزفولی و...) در خوزستان تمایلی برای تعاملات مشترک و وسیع‌تر ندارند و حتی نوعی خودبومی‌بینی و خودبرتربینی و حتی تنفر نسبت به عرب‌زبانان دارند. به فرض مثال تمایل خیلی کمی برای ازدواج با عرب‌زبانان دارند یا به فعالان سیاسی - اجتماعی عرب‌زبان اعتماد ندارند و همواره در ذهن آن‌ها برچسب‌های خیانت و تجزیه‌طلبی وجود دارد.

سوم، داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه و کدهای اولیه برساختی نشان می‌دهد که تفاوت میان انتظارات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی محیطی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب در مقایسه با دیگر گروه‌های قومی استان خوزستان موجب درک احساس محرومیت نسبی از سوی آن‌ها می‌شود. از این‌رو، داده‌ها و کدهای اولیه برساختی محققان را به این سو هدایت نمود که کدهای اولیه

مربوط به تفاوت میان خواسته‌های ارزشی و توانایی ارزشی محیط زندگی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب در مقایسه با دیگر گروه‌های قومی استان خوزستان را در یک کد مفهومی تر و تحلیلی تر «محرومیت نسبی ادراک‌شده قومی» خلاصه، ترکیب و طبقه‌بندی نمایند. در این کد، به‌ویژه

فعالان سیاسی-اجتماعی و زنان فعال قومی در نمونه مورد بررسی دیدگاه‌های متفاوت‌تری در مورد مقایسه تطبیقی اقوام در خوزستان دارند و براین باورند که سیاست‌های رسمی در ایران فقط توجه به مناطق نفت‌خیز و مناطق غیرعرب‌نشین است و فعالان سیاسی-اجتماعی و کنش‌گران قومی جایی در سیاست‌های رسمی ندارند.

چهارم، داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه و کدهای اولیه برساختی نشان می‌دهد که تبعیض اجتماعی-اقتصادی ناشی از عدم خدمت‌رسانی و سیاست‌گذاری کلان حاکمیتی نسبت به کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب، موجب ایجاد حس نفرت و دشمنی در میان کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان نسبت به حکومت می‌شود. از این‌رو، داده‌ها و کدهای اولیه برساختی محققان را به این سو هدایت نمود که کدهای اولیه مربوط به حس تنفر و دشمنی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان نسبت به تبعیض اجتماعی-اقتصادی حاکمیتی را در یک کد مفهومی تر و تحلیلی تر «تنفر درونی‌شده قومی ضدحاکمیتی» خلاصه، ترکیب و طبقه‌بندی نمایند.

در این کد تنوع دیدگاه قابل تاملی در بین نمونه‌های مورد بررسی وجود ندارد و به عبارتی مهم‌ترین کد مرکزی همه مصاحبه‌شونده‌ها صرف نظر از سن و موقعیت اجتماعی، بر حس موردتبعیض واقع شدن و سیاست‌های تبعیض‌آمیز کلان کشوری نسبت به عرب زبانان است و از این رو نوعی حس دوگانه همراه با نفرت ایجاد شده است.

پنجم، داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه و کدهای اولیه برساختی نشان می‌دهد که طرد فرهنگی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از سوی دیگر گروه‌های قومی خوزستان و تبعیض اجتماعی-اقتصادی حاکمیتی نسبت به آن‌ها، موجب انگیزه و تمایل کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان برای کسب و بازتولید مؤلفه‌های هویت قومی از سوی آن‌ها می‌شود. از این‌رو، داده‌ها و کدهای اولیه برساختی محققان را به این سو هدایت نمود که کدهای اولیه مربوط به تمایل و خواست روحی و فرهنگی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان برای کسب و بازتولید مؤلفه‌های هویت قومی را در یک کد مفهومی تر و تحلیلی تر «تمایلات هویت‌خواهی قومی» خلاصه، ترکیب و طبقه‌بندی نمایند.

ششم، داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه و کدهای اولیه برساختی نشان می‌دهد که محاسبه و ارزیابی فرآیند کسب امتیازات و منافع کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان از سوی خودشان موجب تلاش عقلانی برای کسب و بازتولید مؤلفه‌های هویت قومی مشترک از سوی آن‌ها می‌شود. از این‌رو، داده‌ها و کدهای اولیه برساختی محققان را به این سو هدایت نمود که کدهای اولیه مربوط به تمایلات، گرایش‌ها، تلاش‌ها و اقدامات عقلانی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان جهت کسب و بازتولید مؤلفه‌های هویت قومی مشترک را در یک کد مفهومی تر و تحلیلی تر «هویت‌سازی عقلانی قومی» خلاصه، ترکیب و طبقه‌بندی نمایند.

هفتم، داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه و کدهای اولیه برساختی نشان می‌دهد که عدم پذیرش مناسب کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از سوی حاکمیت موجب شکل‌گیری و نهادینه شدن تعصبات ساختاری و کلان حاکمیتی نسبت به کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان می‌شود. از این‌رو، داده‌ها و کدهای اولیه برساختی، محققان را به این سو هدایت نمود که کدهای اولیه مربوط به شکل‌گیری و نهادینه شدن تعصب‌های ساختاری و کلان حاکمیتی نسبت به کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان را در یک کد مفهومی تر و تحلیلی تر «تعصب قومی ساختاری» خلاصه، ترکیب و طبقه‌بندی نمایند. در این

کد شاهد بیشترین تنوع درونی داده‌ها هستیم، به صورتی که روحانیون و کسانی که مسئولیت اجرایی-امنیتی و مدیریتی دارند معتقد به تعصب قومی-ساختاری در برساخت این روایت از هویت قومی نیستند، ولی فعالان سیاسی-اجتماعی و کنش‌گران قومی و فعالان رسانه‌ای معتقدند که عدم پذیرش آنها از سوی حاکمیت سبب شده است که تعصب قومی در هر دو گروه تشدید و نهادینه گردد. هشتم، داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه و کدهای اولیه برساختی نشان می‌دهد که نهادینه‌سازی سیستم قشربندی قومی نسبت به کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب، موجب شکل‌گیری پدیده غصب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی از سوی دیگر گروه‌های قومی استان خوزستان می‌شود. از این‌رو، داده‌ها و کدهای اولیه برساختی محققان را به این سو هدایت نمود که کدهای اولیه مربوط به شکل‌گیری دسته‌بندی‌های فرهنگی- قومی پیرامون منافع اقتصادی- اجتماعی نسبت به کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از سوی دیگر گروه‌های قومی استان خوزستان را در یک کد مفهومی‌تر و تحلیلی‌تر «غصب قومی فضا و جغرافیا» خلاصه، ترکیب و طبقه‌بندی نمایند. در این کد مرکزی هم همه نمونه‌های مورد بررسی موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی از سوی قومیت‌های دیگر و تایید مستمر این مسئله توسط دولت‌ها و سیاست‌گذاران کلان تاکید داشتند. اگرچه تاکید بیشتری از سوی دانشگاهیان و هنرمندان و روزنامه‌نگاران بر روی آن داشتند ولی تنوع درونی داده‌ها به گونه‌ای نیست که روایت‌های متفاوتی از آن ارایه شود.

نهم، داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه و کدهای اولیه برساختی نشان می‌دهد که شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب و نحوه تعاملات آن‌ها با دیگر گروه‌های قومی استان خوزستان موجب شکل‌گیری و آغاز مرزبندی گروه قومی عرب و اولویت دادن آن‌ها به مؤلفه‌های تعلق به هویت قومی می‌شود. از این‌رو، داده‌ها و کدهای اولیه برساختی محققان را به این سو هدایت نمود که کدهای اولیه مربوط به فرآیند مرزبندی اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نمادین کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب نسبت به شرایط اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و تعاملات با دیگر گروه‌های قومی استان خوزستان را در یک کد مفهومی‌تر و تحلیلی‌تر «مرزبندی هویتی قومی» خلاصه، ترکیب و طبقه‌بندی نمایند.

دهم، داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه و کدهای اولیه برساختی نشان می‌دهد که دخالت‌ها و حمایت‌های مالی، اقتصادی، رسانه‌ای و تبلیغاتی کشورهای خارجی، موجب تحریک کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان جهت تشدید فرآیند هویت‌خواهی و بازتولید و بازآفرینی هویت قومی آن‌ها می‌شود. از این‌رو، داده‌ها و کدهای اولیه برساختی محققان را به این سو هدایت نمود که کدهای اولیه مربوط تحریک کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان جهت شکل‌گیری فرآیند هویت‌خواهی و بازتولید و بازآفرینی هویت قومی آن‌ها از سوی کشورهای خارجی به‌واسطه حمایت‌ها و دخالت‌های مالی، اقتصادی و رسانه‌ای و تبلیغاتی را در یک کد مفهومی‌تر و تحلیلی‌تر «حمایت‌های مالی و اقتصادی خارجی» خلاصه، ترکیب و طبقه‌بندی نمایند.

یازدهم، داده‌ها و اطلاعات حاصل از مصاحبه و کدهای اولیه برساختی نشان می‌دهد که جهانی‌شدن فرهنگی و تهاجم فرهنگی علیه فرهنگ حاشیه‌ای قوم عرب در جهان امروز، موجب شکل‌گیری پدیده مقاومت فرهنگی و هویتی از سوی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان می‌شود. از این‌رو، داده‌ها و کدهای اولیه برساختی محققان را به این سو هدایت نمود که کدهای اولیه مربوط به رشد و تقویت هویت‌خواهی قومی و شکل‌گیری پدیده مقاومت فرهنگی از سوی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان در برابر تهاجم و تهدید فرهنگی حاصل از جهانی‌شدن را در یک کد مفهومی‌تر و تحلیلی‌تر «مقاومت جهانی هویت‌خواهی قومی» خلاصه، ترکیب و طبقه‌بندی نمایند.

و به‌عنوان آخرین کد، کد دوازدهم، «محرومیت مستمر تاریخی» به‌عنوان بخشی از سیاست‌های قومی دولت‌های مرکزی در قرن اخیر، همواره خودنمایی کرده و همین مسأله سبب شده است که این تصور به‌وجود بیاید که این موضوع یک رویه ثابت و دستورالعمل

بوده و امیدی برای اصلاح آن از روش‌های مسالمت‌آمیز نیست و عرب‌زبانان برای رسیدن به حداقل‌ها لازم است که روش‌های غیرمدنی را دنبال کنند و از سویی همین نکته مهم باعث گرایش‌های واگرایانه بیشتر شده است و اقدامات بعدی را توجیه می‌نماید. هرچند که در دوران انقلاب اسلامی از مصائب عرب‌زبانان کاسته شده است، اما به زعم مصاحبه‌شونده‌ها روندهای کلی تغییر امیدوارکننده‌ای را نشان نمی‌دهد. همه نمونه‌های مورد بررسی بر این باورند که مهم‌ترین سیاست قومی دولت‌ها، یکسان‌سازی فرهنگی با محوریت صداوسیما که مجری اصلی یکسان‌سازی سبک زندگی با محوریت زبان فارسی و اندک ساعتی که در شبانه‌روز برنامه‌هایی به زبان عربی پخش می‌شود، برنامه‌هایی در راستای هارمونی ایدئولوژیک و هم‌گرایی فرهنگی و دینی بوده و کمترین توجه به خواسته‌ها و نگاه شهروندان و نخبگان عرب‌زبان نسبت به واقعیات زندگی عرب‌زبان‌ها ندارد. از این‌رو حتی در خوزستان و در مسئله بازسازی و ساماندهی مجدد مناطق عرب‌نشین آسیب‌دیده از جنگ، از جمله خرمشهر، هویزه، بستان، سوسنگرد، و آبادان با مناطق آسیب‌دیده از جنگ غیرعرب‌زبان مثل دزفول و اندیمشک تفاوت بسیاری معناداری دارند و این تبعیض آشکار در بازسازی و نوسازی این تلقی و تصور را برای عموم فعالان سیاسی اجتماعی و نخبگان عرب‌زبان ایجاد می‌کند که سیاست‌های حکومتی و دولت‌ها به صورت برنامه‌ریزی شده توجهی به مناطق عرب‌زبان نداشته و این رویه به ویژه در دولت‌های مختلف با گرایش سیاسی مختلف در شاخص‌های مربوط به سرمایه‌گذاری و اشتغال و کارآفرینی و آموزش، بهداشت تداوم داشته است.

جدول ۲. کدهای متمرکز عوامل برجستگی هویت قومی عرب‌های خوزستان

سطح کدهای متمرکز	ابعاد کدهای متمرکز	کدهای متمرکز	کدهای اولیه
ذهنی	داخلی	هویت سیاسی‌شده قومی	حضور فعال قوم عرب در پیروزی انقلاب اسلامی- وارد شدن کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب به سیاست به‌واسطه انقلاب اسلامی- آشنا شدن کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب با سیاست به‌واسطه تغییر سیاسی و پیروزی انقلاب اسلامی- انتظار داشتن کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب از کسب منافع از طریق پیروزی انقلاب اسلامی- افزایش توقعات کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب از حکومت به‌واسطه تغییر سیاسی و پیروزی انقلاب اسلامی.
		طرشدگی فرهنگی قومی-نژادی	نپذیرفتن کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب از طرف دیگر اقوام خوزستان- نگاه منفی اقوام دیگر نسبت به کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب خوزستان- برتر دانستن خود نسبت به کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب از طرف بختیاری‌ها- طردکردن کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب از طرف دزفولی‌ها و شوشتری‌ها- وجود نگاه ضد اقوام غیرفارس در جامعه از طرف قوم فارس- پست دانستن و درجه دوم دانستن کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب از طرف مردم فارس‌زبان- وجود نداشتن نگاه مثبت در جامعه نسبت به کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب.
		محرومیت نسبی ادراک‌شده قومی	مقایسه کردن وضعیت اقتصادی خود با دیگر اقوام توسط کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب خوزستان- درک کردن مشکلات اقتصادی در میان کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب توسط خودشان- درک کردن سهم اندک کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از پست‌های سیاسی و اداری استان خوزستان توسط خودشان- درک کردن سهم اندک کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از پست‌های اقتصادی و منابع و منافع اقتصادی در استان خوزستان توسط خودشان.
		تنفر درونی‌شده قومی ضدحاکمیتی	ایجاد حس دشمنی و نفرت در میان کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب خوزستان به‌واسطه عدم خدمات- رسانی حکومت- عدم احساس تعلق کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان نسبت به حکومت و دولت- متکی شدن کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان به قبیله و طایفه خود به‌واسطه عدم خدمت‌رسانی حکومت.
		تمایلات	اهمیت دادن و مهم دانستن هویت قومی توسط کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب در برابر اقدامات قومیتی

سطح کدهای متمرکز	ابعاد کدهای متمرکز	کدهای متمرکز	کدهای اولیه
		هویت‌خواهی قومی	دیگر اقوام- متمایل شدن کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان همچون دیگر کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی اقوام ایرانی در بازگشت به هویت قومی-تمایل کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان به بازگشت به هویت قومی-تمایل کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان به بازگشت به هویت قومی به دلیل ظلم و بی‌توجهی فرهنگی از طرف حکومت مرکزی.
		هویت‌سازی عقلانی قومی	شکل‌گرفتن گرایش‌های ضعیف وهابی‌گری، سنی‌گری و گروه‌های تروریستی در میان عرب‌های خوزستان در سال‌های اخیر- شکل‌گرفتن گرایش‌های ضدحکومتی در میان جوانان عرب خوزستان در سال‌های اخیر- منطقی بودن تحرکات ضدحکومتی در میان کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان به دلیل مشکلات اقتصادی.
		تعصب قومی ساختاری	خائن جلوه دادن کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب خوزستان از طرف مسئولان استانی در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی- عدم رفع اتهامات نسبت به کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان از طرف مسئولان حکومت مرکزی در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی- توجه نکردن به اقدامات کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان در دفاع از دین، مذهب و کشور در طول تاریخ معاصر ایران- شکل‌گرفتن جو بی‌اعتمادی نسبت به عرب‌های خوزستان در سال ۸۴ به بعد- نداشتن نگاه مثبت به کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از طرف مسئولان حکومت مرکزی.
	داخلی	غصب قومی فضا و جغرافیا	سهم اندک کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از پست‌های سیاسی و اداری استان خوزستان توسط خودشان- سهم اندک کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از پست‌های اقتصادی و منابع و منافع اقتصادی در استان خوزستان توسط خودشان- وجود مشکلات فراوان در میان خانواده‌های عرب خوزستان- وجود مشکلات اقتصادی در میان عرب‌های خوزستان- رها شدن کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان به واسطه عدم جذب در نظام اداری و کاری.
عینی		مرزبندی هویتی قومی	حرکت کردن کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب به سمت هویت قومی به دلیل نگاه قومی و تبعیض‌آمیز اقوام دیگر به عرب‌ها- پناه بردن کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب به بازتولید هویت قومی در برابر تبعیض‌های قومیتی اقوام دیگر- بزرگ کردن هویت قومی توسط کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب در برابر اقدامات قومیتی اقوام دیگر- بازگشت کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب به هویت و اصالت قومی در سال‌های اخیر.
	خارجی	حمایت‌های مالی و اقتصادی خارجی	استفاده کشورهای خارجی از وجود تبعیض‌های قومی بر علیه کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان- تحریک قومیت‌ها توسط کشورهای خارجی- حمایت مالی و فرهنگی قومیت‌ها توسط کشورهای خارجی- کمک مالی به عرب‌های خوزستان توسط کشورهای خارجی- حمایت فرهنگی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان توسط کشورهای خارجی- متمرکز شدن تبلیغات فرهنگی کشورهای خارجی برای از بین بردن هویت مذهبی عرب‌های خوزستان و تشدید تضادهای عرب‌ها با اقوام دیگر- تلاش کشورهای خارجی برای از بین بردن هویت مذهبی عرب‌های خوزستان- تشدید تضادهای بین عرب‌ها و اقوام ایرانی توسط شبکه‌های ماهواره‌ای کشورهای خارجی- سوق دادن عرب‌های خوزستان به سمت وهابیت توسط تبلیغات شبکه‌های ماهواره‌ای کشورهای خارجی- تأکید تبلیغات شبکه‌های ماهواره‌ای کشورهای خارجی بر مشکلات اقتصادی، سیاسی و فرهنگی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان- نقش داشتن کشورهای خارجی در برجستگی هویت قومی عرب‌های خوزستان.
		مقاومت جهانی هویت‌خواهی قومی	متمایل شدن عرب‌های خوزستان به هویت قومی به دلیل وجود تهاجم فرهنگی در جهان امروز- احترام گذاشتن به فرهنگ و گذشته توسط عرب‌های خوزستان- جلوگیری از محو شدن در جهان امروز از طریق بازگشت به گذشته و هویت قومی در میان عرب‌های خوزستان.
		محرومیت مستمر تاریخی	در دوران پهلوی سرکوب بیشتر بود، بسیاری از عرب‌ها در دوران پهلوی تبعید شدند- جمهوری اسلامی به نسبت بهتر از پهلوی‌ها بودند، اتفاقاً سیاست رسمی پهلوی فارس‌گرایی بود- محرومیت عرب‌زبانان تاریخی است- گفت‌وگو محوریت پهلوی فارس‌گرایی و باستان‌گرایی بود- شکاف عرب و عجم از پهلوی شروع شد- هدف پهلوی یکسان‌سازی و نابودی فرهنگ و زبان عربی بود- پهلوی‌ها به دنبال نابودی هویت عربی بودند- پهلوی‌ها حتی نام تاریخی شهرهای عرب‌نشین را فارسی کردند، پهلوی‌ها اقداماتی برای ادغام اجتماعی عرب‌ها انجام ندادند- در دوره پهلوی‌ها عرب‌زبان‌ها حداکثر راننده و نگهبان بودند.

کدگذاری نظری مقولات مرکزی، زیر مقوله‌ها و روابط میان آنها

کدگذاری نظری، مرحله‌ای پیچیده از کدگذاری است که کدهایی که محقق در طول کدگذاری متمرکز انتخاب کرده است را دنبال می‌کند. هدف این کدها، کمک به نظریه‌پردازی داده‌ها و کدهای متمرکز محقق است.

کدهای نظری می‌بایستی ترکیبی باشند و به کدهای متمرکز که محقق جمع‌آوری کرده است شکل می‌بخشند. براین اساس، با توجه به بررسی کدهای متمرکز، مقایسه آنها با یکدیگر، کدهای اولیه و داده‌ها و اطلاعات و به‌ویژه یادداشت‌های تحلیلی و همچنین دانش نظری موجود درخصوص موضوع تحقیق، کدهای نظری نهایی در جهت شکل‌دهی به کدهای متمرکز و فرایند نظریه‌پردازی و ایجاد یک روایت تحلیلی-انتقادی درخصوص عوامل برجستگی و تشدید هویت قومی عرب‌های خوزستان بر ساخت شده است.

تدوین نظریه و روایت تحلیلی و انتقادی: با وقوع انقلاب اسلامی و بهم‌ریختگی قواعد اجتماعی و تحولات سیاسی-اجتماعی ناشی از آن، تغییر و تحول اساسی در خواسته‌ها و انتظارات کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان جهت کسب منافع سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در شرایط غیرقابل پیش‌بینی انقلاب ایران به‌وجود آمد که می‌توان از آن به «هویت سیاسی شده قومی» عرب‌های خوزستان در سال‌های اول انقلاب ایران نام برد. اما علی‌رغم تحولات اجتماعی-سیاسی ناشی از انقلاب ایران که نویددهنده تحولات زیادی برای اقوام ایرانی و به‌ویژه قوم عرب استان خوزستان بود، وجود پدیده‌ها و عواملی چون «تعصب قومی ساختاری»، «غصب قومی فضا و جغرافیا» و «طردشدگی فرهنگی قومی-تژادی» در سال‌های بعد از انقلاب ایران موجب (۱) شکل‌گیری و نهادینه شدن تعصبات ساختاری و کلان حاکمیتی نسبت به کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان به-دلیل عدم پذیرش مناسب کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از سوی حاکمیت، (۲) شکل‌گیری پدیده غصب موقعیت‌ها و فرصت‌های ممتاز اجتماعی از سوی دیگر گروه‌های قومی استان خوزستان به‌دلیل نهادینه‌سازی سیستم قشربندی قومی نسبت به کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب، و (۳) طرد فرهنگی و کاهش ارتباطات کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب در تعاملات اجتماعی بین قومی به دلیل نابرابری در احترام و منزلت اجتماعی و عدم پذیرش کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب از سوی دیگر گروه‌های قومی استان خوزستان گردید.

مجموعه این عوامل باعث شد دو پدیده «محرومیت نسبی ادراک‌شده قومی» و «تنفر درونی‌شده قومی ضدحاکمیتی» در ذهنیت گروه قومی عرب خوزستان شکل گرفته و بازتولید گردد. تحلیل دقیق و موشکافانه نشان می‌دهد که «محرومیت نسبی ادراک‌شده قومی» بر احساس محرومیت نسبی ناشی از تفاوت میان انتظارات ارزشی و قابلیت‌های ارزشی محیطی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب در مقایسه با دیگر گروه‌های قومی استان خوزستان و «تنفر درونی‌شده قومی ضدحاکمیتی» بر حس نفرت و دشمنی در میان کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان نسبت به حکومت به‌واسطه تبعیض اجتماعی-اقتصادی ناشی از عدم خدمت‌رسانی و سیاست‌گذاری کلان حاکمیتی تاکید دارد.

براین اساس، شرایط اجتماعی، فرهنگی و تاریخی و تجربه زیسته کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب و «محرومیت مستمر تاریخی»، به‌عنوان یک سازه و بستر تاریخی موجب گردید تا عرب‌های خوزستان طی سه فرایند «تمایلات هویت‌خواهی قومی»، «مرزبندی هویتی قومی» و «هویت‌سازی عقلانی قومی» در یک بستر بین‌المللی و تحت تاثیر فرایندها و مجموعه عوامل خارجی چون «حمایت‌های مالی و اقتصادی خارجی» و «مقاومت جهانی هویت‌خواهی قومی» اقدام به بازسازی و بازتولید هویت قومی خود نمایند. به‌عبارت دیگر، انگیزه و تمایل کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب خوزستان برای کسب و بازتولید مولفه-های هویت قومی از سوی آن‌ها در قالب فرایند «تمایلات هویت‌خواهی قومی» و «مرزبندی هویتی قومی» فرایند «هویت‌سازی عقلانی قومی» انجام شده است و حمایت‌های مالی، اقتصادی، رسانه‌ای و تبلیغاتی کشورهای خارجی جهت تحریک کنش‌گران و

جدول ۳. مقولات و کدهای پرتکرار

	مقولات و کدهای پرتکرار
%۸۱	احساس بی‌عدالتی آموزشی
%۶۴	احساس بی‌عدالتی اجتماعی فرهنگی
%۶۴	احساس بی‌عدالتی سیاسی
%۸۴	احساس بی‌عدالتی اقتصادی
%۱۲	احتمال واگرایی
%۷۱	احساس تبعیض و ستم قومی
%۵۸	احساس بی‌عدالتی رسانه‌ای
%۴۵	احتمال بهبود وضعیت عرب‌زبانان
%۷۸	احساس تعلق به ایران
%۳۸	برچسب واگرا زدن به منتقدین
%۶۴	تأثیر پیاده‌روی اربعین در بهبود وضعیت عرب‌زبانها
%۵۸	تأثیر راهیان نور در بهبود وضعیت عرب‌زبانها
%۵۸	تأثیر فدرالیته کردن در بهبود وضعیت عرب‌زبانها
%۶۷	بی‌اعتمادی عمیق دولت به فعالان سیاسی-اجتماعی
%۷۱	تفاوت و تبعیض در سیاست‌های دولتی در مناطق عرب‌زبان و غیرعرب خوزستان

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش تحلیل و تبیین برجستگی هویت قومی در میان عرب‌زبانان خوزستان از نگاه نخبگان و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب‌زبان مورد بررسی با استفاده از روش نظریه زمینه‌ای بود. تجربه زیسته عرب‌زبانان ایرانی نشان می‌دهد که عرب‌زبانان ساکن خوزستان در دوران جمهوری اسلامی سیاست‌های قومی کم‌چالش‌تری را تجربه نموده‌اند. اگرچه نخبگان و بزرگان و فعالان سیاسی و اجتماعی عرب‌زبان بر این اعتقاد هستند که ماهیت حیات اجتماعی عرب‌زبانان به لحاظ برخورداری از یک زندگی سالم در دوران پهلوی و جمهوری اسلامی تغییر چندانی نکرده است و کماکان زندگی اجتماعی کنش‌گران قومی و فعالان سیاسی-اجتماعی عرب-زبان، به‌ویژه جوانان، مملو از محرومیت و فقر و توسعه‌نیافتگی است، اما واقعیت این است که دوران طولانی جنگ تحمیلی ۸ ساله و دوران طولانی‌تر بازسازی فرآیند توسعه انسانی مناطق عرب‌زبان را با تأخیر زیاد و غیرقابل‌پذیرشی مواجه نموده است. بر اساس تنوع درونی داده‌ها، امروزه روایتی متفاوت و متمایز از روایت یکدست رسمی ارایه می‌شود و براساس این روایت سیاست‌گذاری اجتماعی نظام سیاسی و عملکرد دولت‌ها نشان می‌دهد سیاست‌های قومی چه در دوران پهلوی و چه در دوران جمهوری اسلامی نتایج مشابهی داشته و نتیجه آن تداوم حاشیه‌نشینی و مهاجرت و تغییر ترکیب جمعیت جامعه قومی و فعالان و کنش‌گران سیاسی اجتماعی عرب‌زبان و بدقوارگی توسعه در این مناطق شده است و نهایتاً فقرآفرین ارزیابی می‌گردد. این روایت معتقد است که تداوم حاشیه‌نشینی با نگاهی به مناطق محل سکونت عرب‌زبانان در اهواز نشان‌دهنده این واقعیت است که حتی در مرکز خوزستان و در بزرگترین شهر عرب‌زبان یعنی اهواز، عرب‌زبانان نه تنها به لحاظ اجتماعی فرهنگی و اقتصادی حاشیه‌نشین و مطرود شدند، بلکه به لحاظ جغرافیایی هم این حاشیه‌نشینی دیده می‌شود.

تحلیل کدهای این تحقیق نشان می‌دهد که مهم‌ترین مساله کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب‌زبان خوزستان با همه تنوع درونی نمونه مورد بررسی، نگاه عادلانه نظام اجتماعی در توزیع برابر فرصت و امکانات ملی است. بی‌تردید مادامی که احساس وجود نگاه برابر نظام اجتماعی به اقوام و گروه‌های اجتماعی در ذهن عرب‌زبانان نباشد، نمی‌توان انتظار همدلی و ادغام کامل داشت و این دقیقاً همان نکته‌ای است که سبب می‌شود قومیت تبدیل به پدیده‌ای سیاسی شود.

اگرچه گزاره‌های فرهنگی و تاریخی کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی عرب‌زبان خوزستان و تجربه زیسته تاریخی آن‌ها با سایر اقوام خوزستان فرصتی برای بروز و ظهور پدیده واگرایی ایجاد نمی‌کند. ولی این عبارت نباید به معنای رضایت‌خاطر و ادغام اجتماعی ناب تلقی شود، چرا که ممکن است در طولانی‌مدت و در صورت عدم ترمیم شکاف‌های طبقاتی جامعه ایرانی، قومیت تبدیل به پدیده‌ای سیاسی شده و انسجام اجتماعی را مخدوش کند، به‌ویژه که در شرایط منطقه‌ای و رقابت‌های سیاسی و بین‌المللی ایران و همسایگان ثروتمند عرب اهل تسنن و وهابی، سرمایه‌گذاری‌های رسانه‌ای و فرهنگی از سوی آنها انجام می‌شود.

مقایسه جهت‌گیری کلی سیاست‌های قومی جمهوری اسلامی ایران و پهلوی براساس مصاحبه‌ها و فرایند کدگذاری داده‌ها نشان می‌دهد که از دید نمونه مورد بررسی علی‌رغم این که در مورد سیاست‌های قومی پهلوی کدهای کمتری ارائه شده است، ولی این کدها نشان می‌دهد که سیاست قومی پهلوی گرایش به سیاسی کردن قومیت داشته و در جمهوری اسلامی بیشتر بر وجه هارمونی فرهنگی و ایدئولوژیک آن توجه شده است. همچنین سیاست قومی پهلوی گرایش شدیدی به الگوی یکسان‌سازی فرهنگی با محوریت باستان‌گرایی، آریایی‌گرایی و فارس‌گرایی و زبان فارسی بوده است اما الگوی عملیاتی شده سیاست قومی در جمهوری اسلامی تاکید بیشتر بر هارمونی ایدئولوژیک و بازتولید خرده فرهنگ‌های شیعی و مذهبی است.

از دید نمونه مورد بررسی موقعیت اجتماعی و تاریخی عرب‌زبانان ایرانی مانند گروه‌های قومی موجود در برخی از این کشورها همانند ایالات متحده، کانادا و برخی کشورهای اروپایی نیست که مهاجرانی باشند که از سایر جوامع ملی به این کشورها وارد شده باشند، ولی عرب‌زبانان خوزستانی همچنان ویژگی‌های زبانی و دینی و هویتی خود را حفظ کرده‌اند.

براساس تحلیل نظری کدهای اولیه و داده‌های این تحقیق از دید نمونه مورد بررسی، عرب‌زبانان در تمام روایت‌های تاریخی مهم جامعه ایرانی از جمله جنگ تحمیلی، مبارزه با بیگانگان و مبارزه با استعمار همراه و همدل با جامعه ایرانی عمل کرده‌اند و محدود رفتارهای مرکزگرای یا به دلیل دخالت دولت‌های خارجی و یا به دلیل احساس محرومیت نسبی و احساس طردشدگی به‌وجود آمده است. این کدها نشان می‌دهند که در بیان نخبگان عرب‌زبان تشیع از اهمیت زیادی برخوردار است و به‌زعم آن‌ها مهم‌ترین حلقه پیوند عرب‌زبانان با جامعه ایرانی است، ولی ساختار نظام اجتماعی کمتر به این مهم توجه عملی نموده است. از سویی ارتباطات بین‌المللی و رسانه‌های جمعی جدید سبب شده است تا تحت تأثیر پدیده دومینوی قومی مطالبات و انتظارات قومی گسترده‌تر شود و قومیت قبل از اینکه متغیر فرهنگی باشد، تبدیل به متغیر سیاسی شود و قومیت در زبان این گروه به معنای حاشیه‌ای بودن و فرع‌بودن جلوه نماید. به عبارتی نخبگان قومی و بخش مهمی از کنش‌گران و فعالان سیاسی اجتماعی با شنیدن واژه قومیت، احساس فرع بودن و اصل نبودن و اقلیت بودن و درجه دوم بودن دارند. بی‌تردید همسایگان عرب‌زبان متمول برخوردار از نفت و زندگی اقتصادی خوب و آزادی‌های مدنی بیشتر در درون جامعه خودشان تأثیر مهمی بر هم‌ذات‌پنداری عرب‌زبانان ایرانی با آن‌ها دارند و برای خودشان این مقایسه را عادلانه می‌پندارند. بنابراین محرومیت مستمر تاریخی همراه با دومینوی قومی و احساس تبعیض ساختاری، قوی‌ترین متغیر و عامل تأثیربخش بر وجود قومیت به معنای سیاسی آن می‌باشد. به عبارتی احساس محرومیت مستمر تاریخی که توسط متغیر دومینوی قومی تقویت می‌شود، قومیت را به مسأله‌ای سیاسی تبدیل نموده است و عملکرد رسانه‌ای نظام اجتماعی این تصویر را

ترسیم می‌نماید که عرب‌زبانان خوزستان در تحولات کلان کشور نقش نداشته‌اند. بدیهی است که نادیده گرفتن نقش کلان تاریخی عرب‌ها در روایت‌های کلان جامعه سبب انزوا و احساس دوری بیشتر از متن در میان عرب‌زبانان می‌شود.

بر اساس کدهای استخراج شده از مصاحبه‌های نمونه مورد پژوهش، ظرفیت‌های فرهنگی و شیعی عرب‌زبانان بستر قابل اعتمادی برای تقویت هویت ملی و انسجام درونی نظام اجتماعی کشور است. از جمله بسترهای فرهنگی و دینی باید اشاره کارشناسی تری داشت به موضوع گردشگری دینی با محوریت پیاده‌روی اربعین حسینی. تحلیل و اتفاق نظر بر این است که میزبانی عرب‌زبانان خوزستان از زوار حسینی می‌تواند باعث افزایش گردش اقتصادی در مناطق عرب‌زبان شده و مشاغل و فرصت‌های جدید اقتصادی و اجتماعی ایجاد می‌کند. مهم‌تر این که احساس میزبانی از زائران هموطن توسط عرب‌زبانان سبب افزایش حس تعلق جمعی و پیوندهای معنوی و انسانی می‌گردد.

در نهایت با توجه به نتایج پژوهش، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

۱. دولت با تدوین و ترسیم سیاست‌های قومی مشخص، مدون و شفاف می‌تواند شرایط نابهنجار حاصل از مدیریت نامطلوب سیاسی در حوزه قومیت‌ها را به یک سطح از همگرایی همه‌جانبه تغییر داده و برداشت‌های ذهنی تاریخی (عدم اعتماد دوسویه) را تضعیف کند؛ به طوری که رویکردهای سیاسی قومی موجود را به رویکردهای فرهنگی صرف مبدل سازد.

۲. نبود جنبش‌های قومی به این معنی نیست که پتانسیل‌ها، ظرفیت‌ها و استعداد‌های آن در جامعه وجود ندارد. اگرچه مطالبات قومی تبدیل به یک جنبش قومی و عمومی نشده ولی صرفاً امری نخبه‌گرایانه نیست. طبیعتاً سیاست‌گذاری‌های تنوع‌پذیر باید بتواند بین مطالبات توده‌های قومی که عموماً به دنبال منزلت و رفع محدودیت‌های اقتصادی و مشارکت در فعالیت‌های خودگردان و حکومت‌های محلی هستند و نخبگان قومی که به دنبال مقاصد خاص سیاسی هستند، مرزبندی ظریف و دقیقی ایجاد کند.

۳. بروز خشونت در میان اقوام به میزان زیادی ریشه در فقدان راه‌های مختلف مشارکتی دارد که منجر به تراکم نارضایتی و در نهایت توسل به ابزارهای خشن می‌شود. نظام سیاسی در کشور باید با توجه به مشکلات اقتصادی، سیاسی و اختلافات دینی و فرهنگی موجود، بروز درصدی از نارضایتی را امری بدیهی تلقی نماید و با گرایش به سوی مردم‌سالاری پیشرفته نهادهایی را تأسیس کند که به خوبی از عهده انعکاس خواست‌های گروه‌های قومی و پیگیری خواست‌های مشروع‌شان برآید.

۴. افزایش محرومیت منجر به افزایش رفتار تهاجمی می‌شود. این واقعیت برای کشوری همچون ایران که در زمره کشورهای در حال گذار بوده و فرآیند توسعه را طی می‌کند، از دو بعد حائز اهمیت است؛ اول، فرآیند توسعه سیاسی اگر به صورتی سالم تحقق نیابد، منجر به توزیع ناعادلانه قدرت در میان نخبگان سیاسی و در نتیجه محرومیت سیاسی گروه‌های خاص قرار می‌گیرد و می‌تواند زمینه مناسبی برای احیای گرایش‌های قومی تلقی گردد. دوم، محرومیت اقتصادی همانند همکاری سیاسی، خود ممکن است به رفتارهای خشونت‌آمیز دامن بزند به همین خاطر است که تئوری اعطای پاداش برای به حداقل رسانیدن فعالیت‌های خشن در جامعه معمولاً توصیه می‌شود.

- فضای عینی‌تر و آزادانه‌تری برای نخبگان و مردم عرب‌زبان برای بیان جایگاه هویتی خودشان فراهم گردد تا کمتر رسانه‌های خارجی، این جایگاه را بازتعریف کنند و تاثیرگذاری آنان برچستی و چگونگی این ارتباط مابین هویت قومی آنان و هویت ملی به واسطه خود آنان تعریف گردد. در این زمینه نخبگان، که نمونه‌های مورد توجه ما بودند، بسیار می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند.

منابع

- اکوانی، سید حمدالله (۱۳۸۷). گرایش به هویت ملی و قومی در عرب‌های خوزستان. *مطالعات ملی*، ش ۳۶، صص ۹۹-۱۲۶.
- برتون، رولان (۱۳۸۰). *قوم‌شناسی سیاسی*. ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نی.
- برزگر، نصرت؛ لطفی، حیدر؛ حسن‌آبادی، داود و رضویان، محمدتقی (۱۳۹۸). نقش سیاست‌های قومی و مذهبی در مشارکت اقوام در امنیت، توسعه همه‌جانبه و همگرایی با تأکید بر ترکمن‌های شمال و شمال شرق ایران، *فصلنامه جغرافیا (برنامه‌ریزی منطقه‌ای)* سال نهم، شماره ۲، صص ۴۳۳-۴۵۵.
- بیژنی، علی و عزتی، عزت‌اله (۱۳۸۷). کالبد شکافی جنبش‌ها و گروه‌های قومی در استان خوزستان. *جغرافیای سرزمین*، ش ۲۰، صص ۱۵-۳۰.
- جلایی‌پور، حمیدرضا و قنبری، علی (۱۳۸۸). بررسی هویت ملی و ارزش‌های جهانی شدن با تأکید بر ایرانیان عرب‌زبان. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ش ۲، صص ۱۶۵-۱۸۶.
- ساسانیان، سعید (۱۳۹۶). عملیات روانی سایت العربیه بر عرب‌های خوزستان با تمرکز بر احساس محرومیت نسبی رفاهی. *آفاق امنیت*، ش ۳۸، صص ۱۱۵-۱۴۲.
- حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸). نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره ۹، شماره ۳-۴.
- جعفرزاده‌پور، فروزنده و حیدری، حسین (۱۳۹۳). فراتحلیل رابطه هویت ملی و هویت قومی در ایران. *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ش ۱۱، صص ۶۳-۹۶.
- ربانی، علی؛ یزدخواستی، بهجت؛ حاجیانی، ابراهیم و میرزایی، حسین علی (۱۳۸۸). رابطه هویت ملی و قومی در بین دانشجویان آذری، کرد و عرب دانشگاه‌های دولتی ایران. *مطالعات ملی*، ش ۳۹، صص ۱۳۷-۱۵۸.
- نبوی، عبدالحسین (۱۳۸۳). *خوزستان و چالش‌های قوم‌گرایانه، ایران-هویت-ملیت، قومیت*. به کوشش حمید احمدی، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- شیخاوندی، داور (۱۳۸۰). تأخیر در تکوین هویت ایرانی در جریان تجدد. *نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران*، ویژه‌نامه دومین همایش مسایل اجتماعی ایران، ش ۳، صص ۱۱۳-۱۳۵.
- صادق‌زاده، رقیه و نادى، محمدعلی (۱۳۹۶). رابطه هویت ملی و هویت قومی در بین دانشجویان آذری، فارس، لر، کرد و عرب در دانشگاه‌های ایران، *پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان*، ش ۱۴، صص ۱۰۰-۱۱۷.
- صالحی امیری، حسین (۱۳۸۵). *مدیریت تنوع قومی در ایران: نقد و بررسی الگوهای موجود و آرایه الگوهای مطلوب*. تهران، مرکز تحقیقات و استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، معاونت پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی.
- قاسمی، محمدعلی (۱۳۸۱). درآمدی بر پیدایش مسایل قومی در جهان سوم. *مطالعات راهبردی*، ش ۱، صص ۱۲۳-۱۳۴.
- قنبری برزبان، علی؛ جلایی‌پور، حمیدرضا و شاوردی، تهمینه (۱۳۹۱). پذیرش ارزش‌های جهانی در میان ایرانیان عرب‌زبان (اعراب خوزستان). *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ش ۳، صص ۱۳۵-۱۵۸.
- قییم، عبدالنبی (۱۳۸۰). نگاهی جامعه‌شناختی به زندگی و فرهنگ مردم عرب خوزستان. *مطالعات ملی*، ش ۷، صص ۱۸۷-۲۲۵.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰). *عصر اطلاعات، اقتصاد، جامعه و فرهنگ، قدرت هویت*. جلد دوم. ترجمه حسن چاوشیان. تهران: انتشارات طرح نو.
- کوهن، آوین استانفورد (۱۳۸۱). *تئوری‌های انقلاب*. ترجمه علیرضا طیب، تهران، قومس.
- گار، تد رابرت (۱۳۷۸). *اقلیت‌ها، ملی‌گراها و برخوردهای سیاسی*. ترجمه حمیدرضا کریمی، مطالعات راهبردی، ش ۱، صص ۲۰۷-۲۳۲.
- گوردزی، حسین (۱۳۸۵). *مفاهیم بنیادین در مطالعات قومی*. تهران، انتشارات تمدن ایرانی.
- محمدپور، احمد (۱۳۸۹). *روش در روش؛ درباره ساخت معرفت در علوم انسانی*. تهران، جامعه‌شناسان.
- محمدیهودی، محمدرضا (۱۳۸۴). نقش تمایلات قومی در مشارکت سیاسی. *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشگاه تربیت مدرس تهران، دانشکده علوم انسانی، تهران، ایران.

نواح، عبدالرضا (۱۳۸۳). قوم عرب واگرایی یا هم‌گرایی. اهواز، اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان خوزستان.
نواح، عبدالرضا و تقوی‌نساب، سیدمجتبی (۱۳۸۷). تأثیر احساس محرومیت نسبی بر هویت قومی و هویت ملی، مطالعه موردی: اعراب استان خوزستان. *جامعه‌شناسی/ایران*، ش ۲، صص ۱۲۲-۱۴۰.
نواح، عبدالرضا و حیدری، خیری (۱۳۹۵). بررسی هویت قومی و تأثیر آن بر احساس طرد اجتماعی (مورد مطالعه: عرب‌های شهر اهواز). *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ش ۱۸، صص ۵۹-۸۴.

- Adler. M. (2012), "Collective Identity formation and Collective Action framing in a Mexican "movement of movements", *journal for and about social movements*, Vol 4, No 1, pp 287-315.
- Barth F (1969) Introduction. In: Barth F (ed.) *Ethnic Groups and Boundaries: The Social Organization of Cultural Difference*. Boston: LITTLE BROWN AND COMPANY, 9-37.
- Boda, Z; Neray, B. (2015), Inter-ethnic friendship and negative ties in secondary school, *Social Networks*, Volume; 43, Pp 57-72.
- Bolby, N. (2001); "Encountering an American Self: Study Abroad and National Identity, Northern Illinois University.
- Brah A (2000) Difference, diversity, differentiation. In: Back L, Solomos J (eds) *Theories of Race and Racism: A Reader*. London: ROUTLEDGE, 431-446
- Charmaz, K. (2014). *Constructing grounded theory (Introducing Qualitative Methods series)*. Second edition. SAGE Publication Ltd.
- Forehand M R, Deshpande R and Reed II A (2002) Identity salience and the influence of differential activation of the social self-schema on advertising response. *Journal of Applied Psychology* 87(6): 1086-1099.
- Hall S (1996) New ethnicities. In: Morley D, Chen K H (eds) *Stuart Hall: Critical Dialogues in Cultural Studies*. London: ROUTLEDGE, 442-451.
- Hutnik N (1991) *Ethnic Minority Identity: A Social Psychological Perspective*. Oxford: OXFORD UNIVERSITY PRESS.
- Hutnik N and Sapru S (1996) The salience of ethnicity. *The Journal of Social psychology* 36(5): 661-662.
- Jenkins R (2008) *Social Identity*, 3rd edn. London: ROUTLEDGE
- Krunovich, R. (2006) "An Exploration of Salience of Christianity for National Identity in Europe", *Sociological Perspective*, 49, pp: 435- 460.
- Nkomo S (1992) The emperor has no clothes: Rewriting 'race in organisations'. *Academy of Management Review* 17 (3): 487-513.
- Nkomo S and Cox T Jr (1996) Diverse identities in organizations. In: Clegg S, Hardy C and Nord W (eds) *Handbook of Organizational Studies*. Thousand Oaks, California: SAGE, 338-356.
- Phinney, J. S. (1992), The Multigroup Ethnic Identity Measure: A New Scale for Use with Diverse Groups. *Journal of Adolescent Research*, 7(2), pp. 156- 176.
- Rosenthal D, Whittle J and Bell R (1989). The dynamic nature of ethnic identity among Greek-Australian adolescents. *Journal of Social Psychology* 129(2): 249-258.
- Ting-Toomey, S., Yee-Jung, K. K., Shapiro, R, B., Garcia, W., Wright T. J., Oetzel, J. G. (2000). Ethnic/Cultural Identity Salience and Conflict Styles in Four US Ethnic Groups. *International Journal of Intercultural Relations*, 24(1), pp. 47- 81.
- Zotova, Olga; Tarasova, Lyudmila; Solodukhina, Olga; Belousova, Natal'ya (2020), *Behav. Sci*, 10, 13; doi:10.3390/bs10010013.